

سال پر از سوگ برای هنر

ماه نخستی که در آن سوگ بود سال نکوهست عیان از بهار کوه هم از این همه دلمردگی دامنه اش می شکند از فشار

تا که به گل هاش جوابی دهد غنچه درید از تن خود، پیرهن بستر سبزی که چهل تکه شد در غم اولاد زمین چمن

گرچه که ایزد بود عادل، ولی سهم هنر بود از این سفره بیش مرد هنر پرور تنهای شب رفت پی جستن شهلا ی خویش

در پی آن داغ گران، بی درنگ آمدش از پنجره دیگر غمی تیره بشد بیکره سینما رفت چون عباس کبار ستمی

گرگ شبیه اتوبوسی شد و قصد به خونخواری از بره کرد تا که ببعد تن سربازها نیمه شبی، جاده دهان دره کرد

دست قضالیک دگر باره از قلب رشیدی ضربان را گرفت در بر چشمان پر از اشک و خون جان شش انگشتی مان را گرفت

دشت به خود چادر آتش کشید ظلمت شب، روز شد از انفجار زائر در گاه رضا، سوخت در شعله بر خور د قطار و قطار

صوت سلیم است چنین دلنشین لحن اذان است فقط بر لبش حیف، خودش رفت ولی مانده است بانگ ابوالفضل یازینب اش

روز، سراسر همه خدمت به خلق تا که سر آمد به شبی زندگی خسته، بی عمامه و نعلین رفت شیخ خوش آواز سازندگی

شهر پر از ولوله و دود شد تا فوران کرد یک آتش فشان ساختمانی به خود آوار شد سوخته شد پیکر آتش نشان

روح عروسک به دل خاک رفت نوبت بدرود به دنیا رسید آن پسر شاد پس از این فراغ رنگ سیاهی به کلاهش کشید

دست اجل البته گوهر چي است سینه ولی از غم او چاک چاک حضرت حق زود کشیدی ولی چهره جوگندی اش را به خاک

سال پر از سوگ برای هنر سال پر از غصه درد فراق کاش به لطف و کرم اش سال بعد خوش بنشیند همه اش اتفاق.

ایمان صابر



حادثه پلاسکو و رشادت آتش نشانها - عکس: نعیم احمدی / ایران



کولبران سردشت و گیر افتادن در بهمن - عکس: social network



رحلت آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام

تلخ و شیرین ۹۵

مخاطبان «ایران» از سال سپری شده می گویند

**حسن فرامرزی - حمیرا اعلائی /** سال هافقط چیش بی روح روزها و ماهها و هفته ها کنار هم نیستند، گرچه تقویم های کاغذی و اعداد پی در پی و شبیه به هم روزها اصرار دارند چنین بگویند اما سالها اتفاقاتی است که آدم های عادی، چهره ها، سیاستمداران و هنرمندان و روزنکار هادر همه حوزه های زندگی رقم می زنند گاه البته یک طوفان یا یک سیل هم می تواند چنین کند، آنچه از یک سال در ذهن مامی ماند عملاً باقیمانده و ته نشین شده همه آن سایه روشن هایی است که به صورت واضح یا مبهم به بایگانی خاطرات تلخ و شیرین سپرده شده است. اما یکی از فراخوان های نوروزی گروه خوانندگان روزنامه مرور رخ داده های سال ۹۵ بود. از مخاطبان روزنامه خواسته بودیم فرار و تنبیه های سالی را که سپری شد در ذهن مرور کنند و آنچه در حافظه شان ته نشین شده و فریاد می آید برای ما بفرستند، از تلخ و شیرینی های این سال. همچنان که انتظار می رفت دیدگاه های مختلف و متنوعی به دست ما رسید که یکی از این نظرات البته از نظرات دیگر متفاوت تر بود دست کم در فرم ارائه نظر. ایمان صابر، مخاطب خوش قریحه ایران، سال ۹۵ را در ایمیلی که به گروه خوانندگان روزنامه فرستاده به رشته نظم کشیده و رخ داده های این سال را در قالب شعر به تصویر در آورده است، با ایمان آغاز می کنیم و ایرانی های دیگر در ادامه از سال ۹۵ بر ایمان خواهند گفت.

سال ۹۵ را خوب بدرقه کنیم

نداد اودی - ایمیل: گذشت به همون سرعتی که قبلی ها می گذشتن. همون تعداد شب و روز. همون تعداد طلوع و غروب. وقتی بهش فکر می کنم می خوام چرتکه بندازم بین اتفاقات خوب و بدش می بینم اونم مثل بقیه سال ها به سایه روشن بود از کل زندگی. لحظات خوشش به تصورم زود گذشت و لحظات سختش در حساب و کتاب من کش اومده بود. هر جور گذشت حالا دیگه زمان بدرقه است. به عادت خوب داریم که پشت سر مسافر آب می ریزم. از زیر قرآن ردش می کنیم و هرچی آرزوی خوب برایش فهرست می کنیم تا بادل راحت بره. با سال ۹۵ هم همین کار رو میکنیم. هر چند آگه دریا های دنیا رو هم پشت سرش بریزیم بر نمی گرده. خوب بدرقش کنیم. بدی هاش رو بنذاریم به حساب خودمون و آماده مسافر جدید باشیم. سرفت بخیر سالی که سایه روشنی بودی از سال های رفته و آگه خدا بخواد سالهای پیش رو.

سال دلشوره های بزرگ بود

جمیله جمالی: سال دلشوره های بزرگ بود. تن یک ملت لرزید،

امیدوارم سال بعد سال مرهم و مرحمت باشد.

سالی که قدم پیش نرفت

پروین شهبازی - ۹۱۲...۲۲۵: فقط همین را می توانم بگویم: سالی که قدم پیش نرفت.

حضور فرو رفته در اسکار غرور آفرین بود

۹۹۰...۱۵۸: حضور فرو رفته در اسکار و از آن مهم تر تحریم اسکار به دلیل توهین های رئیس جمهوری امریکا به ایرانیان توسط بانوی بی بدیل سینمای ایران خانم ترانه علیدوستی غرور آفرین بود.

سالی که صدای آدم های بیشتر شنیده شد

سمیرا انصاری - شیرازی - ایمیل: زخم و سخت، سال تقلا، سالی که امید بیشتر رنگ باخت، اما صدای آدم ها چه در دهایشان و چه شادی های بیشتر از هر سال دیگری شنیده شد، دیده شد و به اشتراک گذاشته شد. سال فقدان های بزرگ، وعده های بزرگ. سالی که مثل درچه هست یا شاید سالی شبیه پل برای ورود به یک مرحله جدید که آریستون اتفاقات مهمی است که حداقل جوانه هایش در همین سال سر از خاک در آورده. نمی دانم قراره بشیر بیشتر از اینی

که هست ویرانی به بار بیارود یا بالاخره دوباره یاد بگیرد از نوبت سازد؟ ولی هر چی هست همین ساله که تصمیم خلیلیا رو برای ویرانی و از نو ساختن نهایی می کند، برای دوباره امید داشتن یا نداشتن برای خاموشی یا زوا فروختن.

فکر می کنم همه مان این سال را با ختیم

صدیقه غفاری - ۷۷۰...۹۱۳: سال جنگ، سال سیاست، سال آزمون صداقت، فکر می کنم همه مان ۹۵ را با ختیم.

باز خدا را شکر بشیر عید را اختراع کرد

فرشته نصر آبادی - ایمیل: هر سال بشر آرزوهای خوب برای عید آن سال دارد. منظورم فقط عید خودمان نیست. همه فرهنگ ها سال نور با آرزوهای خوب شروع می کنند اما هنوز توپ اول سال به صدا در نیامده، گلوله ها و تهدیدها هم جان می گیرند. باز خدا را شکر که بشر چیزی به نام عید را اختراع کرده که می شود حداقل در آن آرزوهای خوب کرد.

رحلت آیت الله هاشمی تلخ بود

مجید مبشری - ایمیل: مسلمار رحلت آیت الله هاشمی رفسنجانی